

دکتر فاطمه بنیادی، معاون فرهنگی روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی:

## موزه ذهن خلاق نوجوانان را به پرواز درمی‌آورد



محبوبه قربانی

میراث فرهنگی شامل ساخته‌های دست بشر، مکان‌ها، بناها، موزه‌ها، فرهنگ، آیین و رسوم است که برای بشر دارای ارزش است و این ارزش انسان را مجاب می‌کند در صد حفظ و نگهداری آن بر آید. میراث فرهنگی به دو شکل ملموس مانند اشیاء و بناها و محوطه‌های تاریخی و ناملموس مانند فرهنگ، مهارت‌ها و آیین‌هایی است که ممکن است ارزش‌های متنوعی مانند تاریخی، باستان‌شناختی و قوم‌شناختی را دربر داشته باشد اما آنچه را مهم می‌کند، ارزشی است که در دلش نهفته و بنا به ماهیت و موضوع نیز ممکن است متنوع باشند. یکی از مکان‌هایی که در دل خود شکل ملموس این میراث را نگهداری می‌کند، موزه‌هاست؛ مکانی که تصویر آن در دید بسیاری از مردم ما به غلط شکل گرفته و همین نگاه است که آنها را نسبت به بازدید از این مکان‌هایی توجه کرده است. در نگاهی دیگر بازدید از این مکان‌ها

تاریخ

برای بعضی از مردم تنها جنبه تفریح دارد، این در حالی است که دکتر فاطمه بنیادی، دانش‌آموخته ارتباطات و معاون فرهنگی روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی می‌گوید: موزه‌ها امروزه دارای تنوع بسیاری هستند و تنها مکانی برای نگهداری اشیاء قدیمی نیستند. در بعضی از آنها اشیاء مدرنی که در زمان حیات ما وارد زندگی شده‌اند، نگهداری می‌شوند. امروزه موزه‌ها به عنوان محلی برای کسب اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد و این موضوعی است که باید در نظر خانواده‌ها و نظام آموزشی ما مورد توجه قرار گیرد چرا که امکان تجربه مسیر علمی برای نوجوانان و جوانان در موزه‌ها فراهم است و در آن فرصت فریبه‌سازی، خلاقیت و پرواز دادن تخیل و طی کردن مسیر علمی برای دانش‌آموزان به خصوص مقاطع تحصیلی پایین‌تر فراهم می‌شود. تنها لازم است از این فرصت‌ها و راه‌های پر ارزش و خروچی آن برای نسل جوان و نوجوان به درستی استفاده شود. متن زیر حاصل گفت‌وگو با وی است که پیش رو دارید.

### در این باره مثالی می‌زنید؟

آدم‌ها به دلایل مختلف به موزه‌ها سر می‌زنند و به سن و به علاقه‌مندی آنها بستگی دارد. مراکز فرهنگی مورد بازدید اگر لذتبخش باشند و چیزی آموزش دهند، انتخاب می‌شوند. باید بدانیم تصویر قدیمی از موزه تغییر پیدا کرده است. ما برای طیف مختلف و بزرگی از مخاطبان، موزه‌های تخصصی داریم که می‌توانند علاوه بر بازدید، کسب دانش و تجربه هم داشته باشند و از بازدید آن لذت ببرند. حالا این تکرر آنقدر زیاد است که می‌توان از موزه ایران باستان که محل نگهداری قدیمی‌ترین موزه‌ای است که تمدن بشری ما را ساخته است، مثال زد تا موزه موسیقی، علم و فناوری، ماشین، کلکسیون متنوع و شیشه که به خاطر تنوع و بسته به علاقه‌شان برای کسب تجربه به آن صرف بازدید، انتخاب می‌شوند.

### برای تغییر این ذائقه چه توصیه‌ای دارید؟

اهالی فرهنگ باید تلاش کنند این ذهنیت عمومی را که موزه یک محیط کسالت‌آور و برای یک بار دیدن است در نظر خانواده‌ها، جوانان، نوجوانان و احاد مردم تغییر دهند. مردم باید بدانند تنوع و تکرر زیاد شده است، به همین خاطر این فرصت ایجاد شده است رویدادهای جذاب اجرا کنند و از لیه‌های فناوری یعنی محصولات نوآورانه که به کمک بازدیدکننده‌ها می‌آید، تجربه کسب کنند، مانند استفاده از عینک‌های مخصوص یا بازی‌های محیطی لحاظ‌شده برای گنج‌یابی و دریافت جایزه، در مجموع توجه به این تغییرات باعث تغییر ذهنیت



امکان تجربه مسیر علمی برای نوجوانان و جوانان در موزه‌ها فراهم است. موزه‌ها جاهایی هستند که فرصت فریبه‌سازی به نسل جوان و نوجوان می‌دهند. وقتی گروه‌های دانش‌آموزی وارد موزه‌ها می‌شوند، می‌توانند با اطلاعات حول و حوش اشیاء شروع به فریبه‌سازی و مسیر علمی طی‌کردن تخیل و فریبه‌سازی و مسیر علمی طی‌کردن

یکی از مکان‌هایی که می‌تواند مورد بازدید عموم مردم قرار گیرد، موزه‌هاست، اما آنچه در نگاه عمومی به دست می‌آید، بازدید از این مکان‌ها در رتبه‌های آخر تصمیم‌گیری‌هاست. به نظر شما چه عواملی در عدم توجه آنها دخیل است؟

شاید یک دلیل این باشد که خیلی از مردم نمی‌دانند موزه‌ها بسیار متنوعند و تنها مکانی ثابت برای نگهداری اشیاء قدیمی نیستند. درست است اسم آن از دل تاریخ می‌آید اما امروزه موزه‌ها بسیار متنوع هستند و در بعضی از آنها اشیاء مدرن دیجیتال و ابزارهایی که خیلی قدیمی نیستند، مثلاً کامپیوتر نگهداری می‌شود؛ وسایلی که ممکن است در زمان حیات خودمان اختراع و وارد زندگی ما شده باشند. بسیاری از کلکسیوندارها، کلکسیون جذاب و جالبی از اجناس متنوعی دارند که تبدیل به موزه می‌شود، یعنی آن کلکسیوندار در یک مکان همه کلکسیون را تبدیل به موزه می‌کند که عموماً متعلق به اشیاء باستانی نیستند. این موارد توضیح داده شد تا برسیم به اینکه خیلی از مواقع در جامعه از موزه یک تصویر ذهنی اجتماعی وجود دارد و این تصور ذهنی تحت تأثیر تصویری صرفاً قدیمی از موزه است؛ اینکه موزه جایی برای نگهداری اشیاء باستانی است و همه سفال‌هایی که در آن نگهداری می‌شود، شیء هم هستند. بسیار مهم است که بدانیم این یک تصویر قدیمی است و اتفاقی که امروز در موزه‌ها رقم می‌خورد، بسیار جذاب است.

علیرضا کیا، مدیر موزه هنرهای ملی:

## موزه‌ها بهترین کارگاه آموزشی زندگی هستند



ماهیان گذشته بازدیدکنندگان کمی داشت، ولی در سه سال گذشته وضعیت بازدید بهبود یافته است، به شکلی که در نوزدهم بیش از هزار نفر از آن بازدید کرده‌اند. گفت‌وگویی با او داشتیم که در ادامه می‌خوانید. ■■■

در مورد نقش آموزشی موزه‌ها توضیح دهید.

موزه‌ها به عنوان امکان انتقال هنر و تاریخ‌های کهن از نیاکان به حاضران نقش بزرگی دارند و بزرگ‌ترین آموزگار بشر در سیر تاریخ

فاصله چندانی با باغ نستان ندارد، در گذشته حوضخانه این باغ قاجاری بوده است که در ۱۰ سال از سوی دو معمار زبده یعنی «عبدالله‌خان» و «آقاچانی اصفهانی» ساخته شد. در گذر زمان حوضخانه از باغ جدا می‌شود، اما شکل اصلی خود را با گچ‌بری‌های نفیس حفظ می‌کند. مدرسه صنایع مستظرفه به نام مدرسه کمال‌الملک نیز در نزدیکی این حوضخانه فعال بوده است. برگزاری کلاس‌های رشته‌های نگارگری، مینیاتور، معرق و منبت، خاتم‌کاری و کاشی‌کاری باعث شد هنرمندان بزرگی در این مدرسه تربیت شوند. با ترک این مجموعه از سوی کمال‌الملک، مدتی فعالیت‌های این مدرسه کم‌رنگ می‌شود تا اینکه در سال ۱۳۰۹ با همت مرحوم «حسین ظاهرزاده‌پهزاد» موزه هنرهای ملی با هدف احیای هنرهای مستظرفه بنا شد. وقتی دستور ساخت موزه هنرهای ملی را می‌دهند، به چهار سمت حوضخانه قدیمی، بنای الحاقی اضافه می‌شود. اکنون تنها بخش مرکزی عمارت که گچ‌بری مشخصی دارد، باقی‌مانده از دوره قاجار است و بخش‌های الحاقی به دوره پهلوی مربوط است و برای اینکه تفاوت زمانی ساخت مشخص شود، بخش‌های الحاقی گچ‌بری نشده و مشابه نقش گچ‌بری را روی دیوار نقاشی کرده‌اند. موزه هنرهای ملی از سال ۱۳۶۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این مجموعه شامل حدود ۱۷۰۰ اثر است که ۱۲۰۰ اثر آن به نمایش درآمده است و مابقی در مخزن نگهداری می‌شوند و به فراخور زمان و در نمایشگاه‌های متعدد به نمایش گذاشته شده‌اند. اینها را علیرضا کیا، مدیر موزه هنرهای ملی می‌گوید و معتقد است این موزه در طول

محسوب می‌شوند و در واقع بهترین کارگاه‌های آموزشی در زندگی ما هستند. باین توضیح باید برسید پس چگونه انقش آموزشی موزه‌ها می‌توان غافل ماند؟ فضای موزه مورد اعتقاد همه است و هر کسی در بخش‌های مختلف زندگی خود گذشته را می‌بیند. افزودن بر این موزه‌ها به عنوان یک مرکز معتبر علمی همیشه برای هر گروه سنی در هر مقطع تحصیلی یا بگاهی اجتماعی هستند که نقش آموزشی ایفا می‌کنند. به عنوان مثال موزه مردم‌شناسی ما برای کودکان و نوجوانان می‌تواند در پیشبرد اهداف آموزشی مؤثر قرار گیرد.

اهمیت بازدید اقشار مختلف از موزه‌ها به ویژه در بحث سبک زندگی و تأثیر آن در فرهنگ مردم چیست؟

این سؤال برمی‌گردد به نوع موزه و مخاطب خاصی که دارد. چنانچه موزه‌های عمومی و دربرگیرنده موضوعات کلی باشد، بسیار واضح است که طیف وسیعی از مخاطبان را دربر می‌گیرد اما در مورد موزه‌های خاص هر چه سبک‌تر باشد، تأثیرگذاری موزه در افکار عمومی بیشتر و محبوب‌تر واقع می‌شود. در روزگاری که اغلب زندگی‌ها ماشینی شده و فشار کشورهای غربی روی سرزمین مثل ایران برای گمراه کردن نسل جوان بیداد می‌کند، بزرگ‌ترین پوشش حفاظتی جوانان این سرزمین آشتی دوباره با موزه‌هاست، نه صرف بازدید بصری و گرفتن چند عکس با کیفیت برای جذب دنبال‌کننده و مخاطب در صفحات مجازی بلکه هدایت جوانان به مقابله با غرب‌زدگی و احیای فرهنگ غنی ایران زمین. بدون تردید پیشرفت هر ملتی در گرو فرهنگ و تاریخ آن مردمان است. در واقع انسان‌ها می‌توانند با «بازگشت به خویشتن» و جست‌وجو در تاریخ از طریق مراجعه به موزه سبک زندگی خود را پیدا کنند و تصمیم درست بگیرند.

راهکارهای جذاب کردن موزه‌ها برای مردم چیست؟ فرهنگ موزه‌گردی و بازدید آن باید از کودکی از نسلی والدین و

خیلی از مردم نمی‌دانند موزه‌ها بسیار متنوعند و تنها مکانی ثابت برای نگهداری اشیاء قدیمی نیستند. در دست است اسم آن از دل تاریخ می‌آید اما امروزه موزه‌ها بسیار متنوع هستند و در بعضی از آنها اشیاء مدرن دیجیتال و ابزارهایی که خیلی قدیمی نیستند، مثلاً کامپیوتر نگهداری می‌شود؛ وسایلی که ممکن است در زمان حیات خودمان اختراع و وارد زندگی ما شده باشند

نسبت به این مراکز فرهنگی می‌شود و در نهایت مردم احساس علاقه‌مندی بیشتری برای حضور در موزه‌ها پیدا خواهند کرد. نظام آموزشی چه وظیفه و نقشی را می‌تواند در ایجاد انگیزه و اهمیت دادن به این میراث در دانش‌آموزان ایفا کند؟ به خصوص در اردوهای که برای بازدید از این اماکن برگزار می‌کند، چه نکاتی باید در نظر بگیرد؟

باید یک نکته مهم را بدانیم؛ اینکه در دنیا تقریباً از دادن اطلاعات گذر کرده و رسیده‌ایم به مراحل جدیدی که آدم‌ها باهم دانش را به اشتراک می‌گذارند و در مسیر این تجربه مشترک چیزهایی جدید می‌آموزند. به اصطلاح دوره از بالا به پایین صحبت کردن گذشته است و نسل جدید که در فضای جدید زیست می‌کند، تجربه دیگری لازم دارد تا فرهنگ و دانش او بالا برود. نظام آموزشی باید به این اشتراک تجربه برسد، به اینکه سواد دیگران را در اختیار بگیرد و صرفاً در یادگیری و اکتشافی محسوب می‌شود، توجه به این نکته مهم است. پرورش خلاقیت بچه‌ها می‌تواند به بازدید لذتبخش آنها منجر شود.

امکان تجربه مسیر علمی برای نوجوانان و جوانان در موزه‌ها فراهم است. موزه‌ها جاهایی هستند که فرصت فریبه‌سازی را به نسل جوان و نوجوان می‌دهند.

وقتی گروه‌های دانش‌آموزی وارد موزه‌ها می‌شوند، می‌توانند با اطلاعات حول و حوش اشیاء شروع به فریبه‌سازی کنند، پرواز دادن تخیل و فریبه‌سازی و مسیر علمی طی‌کردن. دنبال‌نشانه‌ای برای رد فریبه یا تأیید فریبه به خصوص در مقاطع تحصیلی پایین‌تر بسیار مؤثر است. بازی‌سازی یا طراحی بازی برای احصای ریشه‌های هویتی بسیار تأثیرگذار است.

در این باره هم می‌توانید مثالی بزنید؟

به طور مثال موزه فرش که ملموس از فرش‌های نفیس و قدیمی است. آن فرش‌ها پر از کاراکتر و قصه است، به همین دلیل بازدید دانش‌آموزان همراه با قصه‌گویی بسیار تغییر ایجاد میکند، چرا که مغز آدم‌ها به گونه‌ای است که قصه را از دریافت اطلاعات بهتر و بیشتر نگهداری می‌کند و یاد می‌گیرد. در کنار آن بازی‌سازی قصه‌گویی هم مهم است.

تا اینجا درباره تغییر ذائقه مردم صحبت کردید تا نسبت به میراث فرهنگی و موزه‌ها علاقه‌مند شوند و از آن بهره ببرند. حال روی صحبت با قشر دیگری از جامعه است که علاقه‌مند به وندالیسم هستند؛ همان یادگار نویسی که



موجب تخریب آثار تاریخی می‌شود. دلایل این تخریب از سوی بعضی از این افراد چیست؟

در طول تاریخ، بشر دوست داشته است خودش را ماندگار کند. حکاکای روی سنگ‌های باستانی که حالا جزئی از آثاری است که باید حفاظت شود، شاید به همین دلیل باشد که بشر میل به ماندگاری داشته و دارد، اما خیلی مهم است بدانیم وقتی فرهنگ و تمدنی تغییر می‌کند، راه‌های ماندگاری هم تغییر می‌کند. وقتی درباره آثار تمدنی صحبت می‌کنیم، به‌دترین انتخاب برای ماندگاری آدم‌ها آن است به آثاری که متعلق به همه آدم‌ها و افراد آن منطقه است، آسیب وارد شود. با توجه به فضاهایی جدیدی که برای ماندگاری انسان‌هاست، این اتفاق بدی است که به سبک و سیاق اجزای خودشان را ماندگار کنند. این اتفاق حتماً فرهنگی و آموزشی است. خیلی از این آدم‌ها رفتارشان را اسپرزدن قلمداد نمی‌کنند و دل‌شان نمی‌خواهد آسیب برسانند، فقط می‌خواهند در تاریخ ماندگار شوند، بنابراین آموزش، محبت داشتن و یاد گرفتن لازم است و اینکه بدانیم وقتی درباره میراث فرهنگی و حفاظت آن صحبت می‌کنیم، همه ما میراث‌بان فرهنگ هستیم و این را باید در عمل نشان داد. اینکه چه رفتاری داشته باشیم، خیلی تأثیرگذار است و بیشتر متعلق به آموزش و فرهنگ است.

برای آگاهی بعضی از مردم که آثار تاریخی را خرید و فروش می‌کنند (بعضاً ممکن است تقلبی هم باشند) چه پیشنهاداتی دارید؟

باید مراقبت کنیم و دانش حقوقی مان را نسبت به این موضوع بالا ببریم. این از کارهای مهمی است که باید در وزارت میراث فرهنگی به آن توجه شود و رسانه‌ها هم کمک کنند تا قوانین آن بسیار شود و افراد نسبت به قوانین مطلع شوند. مثلاً آثار تاریخی در خانه را که به هر دلیلی به دست ما رسیده است، می‌توان به صورت قانونی خرید و فروش کرد ولی خروج آن از کشور مسئله دارد. آثار دیگری را که متعلق به قبل‌تر از این دوران است، باید در اختیار میراث قرار داد یا در باره آنها با کارشناسان صحبت کرد. این موارد نیاز به اطلاع‌رسانی دارد، چرا که شاید خیلی از مردم با آن آشنا نیستند و آگاهی ندارند. دنبال گنج‌فتن هم از مواردی است که زیاد شنیده می‌شود. این رفتار هم مشکل حقوقی دارد و هم مشکل فرهنگی که باید مورد توجه قرار گیرد. در این باره همانطور که ابتدای پاسخ به این سؤال مطرح شد، میراث فرهنگی، مردم و رسانه‌ها باید دست به دست هم بدهند تا این اتفاق فرهنگی رقم زده شود. باید مردم کشورمان را نسبت به این حوزه آگاه کنیم و اگر کسی دنبال گنج می‌یابد، باید با مدیران میراث اصلاح کند و اگر نکند با سختی زیادی روبه‌رو می‌شود و فشار اجتماعی و فرهنگی روی او زیاد است. او باید در این زمینه اطلاعات حقوقی‌اش را زیاد کند. گفت‌وگو هم مؤثر است و باید بدانند این آثار متعلق به همه ایرانیان است. جادار اشاره‌های کنیم به اینکه بدترین مدل دزدی، سرقت از یک نفر یا یک خانواده و یک قوم نیست، بلکه سرقت از همه مردم کشور است و افرادی که این سرقت و فروختن را مرتکب می‌شوند، افرادی ابرقبیح هستند، بنابراین نیازمند کار فرهنگی، کسب اطلاعات حقوقی و فرهنگی و حس دوست‌داشتن آنچه متعلق به همه مردم است، باید تقویت شود تا شاهد مواردی از این دست اشتباهات نباشیم.



راهناشدن در موزه‌ها و اماکن تاریخی وجود دارد؟

به هر طریق شعار اول بنده به عنوان یک فرد در عرصه هنر و فرهنگ این است که فرهنگ‌سازی از پایه و جامع هدف باید کودکان و نوجوانان باشند. خود بنده از روز اول با چند مجموعه حرفه‌ای که کار کودک انجام می‌دادند، تفاهنامه امضا کردم و حتی اولین نمایشگاه آثار نقاشی کودکان ۹ تا ۱۲ سال را با الهام از سه اثر فاخر موزه در سال گذشته برپا کردم و با چشمان خود شور و شوق این کودکان را برای حضور و ابراز وجود در موزه دیدم. بعد از توضیحات بنده در میان دیگر بازدیدکنندگان بزرگسال، به صورت خودجوش و به عنوان راوی شروع به توضیح دادن کردند و این برای خود من این یک دستاورد بود.